

آسیب‌شناسی نظام حاکمیت شرکتی در بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری ایران



پژوهش‌های
سلامت اداری
سال اول
شماره ۴
زمستان ۱۴۰۴
صفحه ۱۴۱ الی ۱۷۶

چکیده

حاکمیت شرکتی یکی از ارکان اساسی ارتقای شفافیت، پاسخ‌گویی و سلامت مالی در نظام بانکی و مالی محسوب می‌شود. پژوهش حاضر با هدف آسیب‌شناسی نظام حاکمیت شرکتی در بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری ایران، بر دو مؤلفه کلیدی «کمیته ریسک» و «واحد حسابرسی داخلی» متمرکز

کاظم شمس‌الدینی^۱
(دانشیار حسابداری،
دانشکده مدیریت و
اقتصاد، دانشگاه شهید
باهنر کرمان، ایران)

احمد خدای‌پور^۲
(استاد حسابداری،
دانشکده مدیریت و
اقتصاد، دانشگاه شهید
باهنر کرمان، ایران)

حسین مولایی^۳
(کارشناس ارشد
جامعه‌شناسی، دانشگاه
آزاد اسلامی)

۱. نویسنده مسئول

kshams@uk.ac.ir

ارسال: ۱۲ شهریور ۱۴۰۴

بازنگری: ۲۳ خرداد ۱۴۰۵

پذیرش: ۲۰ تیر ۱۴۰۵

2. khodamipour@uk.ac.ir

3. hmolaiei52@yahoo.com

شده است. این پژوهش به روش پیمایشی و با استفاده از پرسش‌نامه محقق ساخته، داده‌های مرتبط با عملکرد این دو مؤلفه را از ۲۷۲ نمونه جمع‌آوری و با بهره‌گیری از آزمون تی استیودنت تحلیل کرده است.

یافته‌های پژوهش نشان داد که از ۲۷ گویه مرتبط با کمیته ریسک، ۱۹ مورد به عنوان نقطه قوت و ۵ مورد نیز نقطه ضعف هستند؛ همچنین، عملکرد بانک‌های خصوصی در برخی ابعاد مرتبط با مدیریت ریسک، نسبت به بانک‌های دولتی بهتر بوده است. در خصوص واحد حسابرسی داخلی نیز، از میان ۲۰ گویه، ۱۵ مورد نقطه قوت، ۳ مورد به عنوان نقطه ضعف و ۲ مورد فاقد نتیجه مشخص بودند. مقایسه عملکرد بین بانک‌های خصوصی و دولتی در این مؤلفه نیز نشان‌دهنده برتری معنادار بانک‌های خصوصی در ۱۰ گویه بود. پژوهش به این نتیجه رسید که باوجود پیشرفت‌هایی در ساختارهای نظارتی بانک‌ها، هنوز موانع و آسیب‌های مهمی در زمینه استقلال، کارآمدی و اجرای مؤثر حاکمیت شرکتی، به‌ویژه در بانک‌های دولتی، وجود دارد؛ براین اساس، تقویت نقش نظارتی نهادهای ناظر، ارتقای استقلال حرفه‌ای واحدهای حسابرسی داخلی، بهبود سازوکارهای مدیریت ریسک و توجه ویژه به تفاوت‌های عملکردی بین بانک‌های خصوصی و دولتی پیشنهاد می‌شود. این مطالعه با ارائه شواهدی تجربی، بر ضرورت بازنگری و تقویت مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی در راستای افزایش ثبات، سلامت و اثربخشی نظام بانکی کشور تأکید دارد.

واژگان کلیدی: آسیب‌شناسی حاکمیت شرکتی، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، کمیته ریسک، واحد حسابرسی داخلی.

Diagnosing the Corporate Governance System in Iranian Banks and Financial and Credit Institutions

Kazem Shamsodini (Assistant Professor of Accounting, Faculty of Management and Economics, Shahid Bahonar University of Kerman, Iran)

Ahmad khoddamipour (Professor of Accounting, Faculty of Management and Economics, Shahid Bahonar University of Kerman, Iran)

Hossein Molaei (M.A. in Sociology, Islamic Azad University)

Abstract

Corporate governance is a fundamental pillars for enhancing transparency, accountability, and financial soundness in the banking and financial sector. The present study aims to diagnose the corporate governance system in Iranian banks and financial institutions by focusing on two key components: the Risk Committee and the Internal Audit Unit. This research employed a survey method using a self-developed questionnaire to collect data from 272 respondents. The data were analyzed using the Student's t-test.

The findings indicated that, out of 27 items related to the Risk Committee, 19 were identified as strengths and 5 as weaknesses. Furthermore, the performance of private banks in some aspects of risk management was found to be superior to that of public banks. Regarding the Internal Audit Unit, 16 out of 20 items were identified as strengths, 2 as weaknesses, and 2 yielded inconclusive results. Comparative analysis of private and public banks in this component also revealed statistically significant superiority of private banks in 10 items. The study concludes that despite progress in reg-

ulatory structures of banks, there are still significant challenges and weaknesses concerning independence, efficiency, and the effective implementation of corporate governance—particularly in public banks. Accordingly, the study recommends strengthening the supervisory role of regulatory bodies, enhancing the professional independence of internal audit units, improving risk management mechanisms, and paying special attention to performance differences between private and public banks. By providing empirical evidence, this study underscores the necessity of reviewing and reinforcing corporate governance components to promote stability, soundness, and effectiveness in the country's banking system.

Keywords: Diagnosing the Corporate Governance System, Banks and Financial and Credit Institutions, Risk Committee, Internal Audit Unit

۱. مقدمه

بانک‌ها و مؤسسات بانکی و اعتباری، به عنوان مهم‌ترین منابع تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی، نقش حیاتی در رشد و توسعه اقتصادی کشور دارند. ایفای این نقش کلیدی تنها در یک بخش بانکی باثبات و کارا، با توانایی جذب و تخصیص بهینه ذخایر و منابع مالی جامعه، میسر خواهد شد. در دوران معاصر، حاکمیت شرکتی با رشد و توسعه شرکت‌ها در اقتصادهای توسعه‌یافته و نوظهور، اهمیت فزاینده‌ای یافته و تقریباً در تمامی جوامع و شرکت‌ها، به عنوان عامل اصلی بهبود عملکرد مالی شرکت، مورد تأیید قرار گرفته است. افزایش حجم فعالیت‌ها و پیچیدگی آن‌ها در بانک‌ها، منجر به عدم تقارن اطلاعاتی شده و به نوبه خود، باعث کاهش قدرت نظارت سهام‌داران (به‌ویژه سهام‌داران اقلیت) بر مدیریت بانک‌ها می‌شود. بر اساس مفروضات تئوری نمایندگی، تضاد منافع بین مدیران و سهام‌داران وجود دارد. سهام‌داران ممکن است به طرح‌های پرریسک تمایل داشته باشند تا ارزش سهام خود را افزایش دهند؛ درحالی‌که مدیران

ممکن است با هزینه کردن منافع سهام‌داران، به دنبال حداکثرسازی منافع شخصی خود باشند؛ مثلاً با استفاده از تکنیک‌های مدیریت سود، پاداش بیشتری دریافت کنند.

از طرفی، پدیده‌ای به نام تقلب، به عنوان یکی از مشکلات متعدد در دنیای تجارت امروز، به پدیده‌ای جهانی تبدیل شده است. افزایش تقلب در بخش بانکی، هر روزه باعث کاهش اطمینان استفاده‌کنندگان از گزارش‌های بانک‌ها می‌شود و رشد روزافزون آن نیازمند راه حل فوری است. رسوایی‌های مالی شرکت‌هایی مانند انرون^۱ و ورلدمام^۲ در سال ۲۰۰۰ در آمریکا و بانک برینگز^۳ و پولی‌پگ^۴ در انگلستان و قرارداد الیمامه^۵ در عربستان، همگی منجر به سلب اعتماد سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان شدند (مهران‌پور و کاظم‌پور، ۱۴۰۱). این موضوع، با توجه به مبالغ هنگفت پول و پیامدهای نامطلوب آن بر اقتصادهای جهانی، از اهمیت بالایی برخوردار است. آینا (۲۰۰۴) استدلال می‌کند که تقلب یکی از دلایل اصلی عملکرد ضعیف اقتصادی و افزایش فقر در اکثر کشورهای در حال توسعه است. اگرچه تقلب پدیده‌ای جهانی است و کشورها از نظر مالی متحمل زیان‌های شدیدی شده‌اند، اجرای حاکمیت شرکتی در شرکت‌ها و بانک‌ها می‌تواند به بهبود عملکرد آن‌ها کمک کند؛ با این حال، برقراری و اجرای حاکمیت شرکتی مطلوب، بدون سازوکارهای کنترل داخلی مناسب، نظیر بخش نظارتی مقتدر و اعمال کنترل توسط هیئت مدیره مستقل و سهام‌داران، امکان‌پذیر نیست. صدور دستورالعمل‌های حاکمیت شرکتی توسط سازمان بورس تهران (۱۳۹۷) و اصلاحیه (۱۴۰۱)، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران برای مؤسسات اعتباری غیردولتی و اصول حاکمیت شرکتی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) در سال ۲۰۱۵، همگی بر اهمیت پیاده‌سازی این نظام در تمامی مؤسسات، از جمله بانک‌ها، تأکید دارند.

تاکنون تعاریف متعددی از حاکمیت شرکتی ارائه شده است که به طور کلی بر اساس دو دیدگاه محدود و گسترده بیان شده‌اند. در دیدگاه محدود، تنها به منافع سهام‌داران

1. Enron

2. World com

3. Barings Bank

4. Polly Pack

5. Al Yamamah Contracts

و اعتباردهندگان و به‌طورکلی افرادی که مستقیماً با شرکت سروکار دارند، توجه می‌شود؛ اما در تعاریف گسترده که بر مبنای تئوری ذی‌نفعان است، علاوه بر منافع گروه‌های قبلی، منافع سایر ذی‌نفعان، نظیر عموم مردم، مسائل زیست‌محیطی و اجتماعی و حتی در حالت افراطی آن، منافع تمامی موجودات زنده و به‌طورکلی مسائل پایداری در نظر گرفته می‌شود. حاکمیت شرکتی یکی از مسائل بسیار حائز اهمیت در نهادهای پولی و مالی محسوب می‌شود. ضعف و توجه ناکافی به حاکمیت شرکتی صحیح در بانک‌ها، به‌عنوان یکی از علل اساسی بحران مالی ۲۰۰۸-۲۰۰۷ شناخته شده است. در مقابل، حاکمیت شرکتی مناسب در بانک‌ها، از مهم‌ترین ابزارهای جلوگیری از تقلب و فساد به شمار می‌آید. بررسی‌ها نشان می‌دهد حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی، ساختار سرمایه، تقسیم سود و سرمایه‌گذاری تأثیر دارد (فتحی و ابوطالبی، ۱۴۰۴). موضوع حاکمیت شرکتی طی چند دهه اخیر، توجه متصدیان اقتصادی و حسابداری را به خود جلب کرده و بسیاری از کشورها، رهنمودها و قوانین سخت‌گیرانه‌ای را برای بهبود آن در بانکداری وضع کرده‌اند. از مهم‌ترین این رهنمودها می‌توان به اصول حاکمیت شرکتی برای بانک‌ها از انتشارات بال (۲۰۱۵) اشاره کرد که به ۱۳ اصل معروف برای تقویت نظام حاکمیت بانک‌ها می‌پردازد. نقش حاکمیت شرکتی در بهبود عملکرد بانک‌ها در تحقیقات متعددی نیز مورد آزمون و تأیید قرار گرفته است (فتحی و ابوطالبی، ۱۴۰۱). سیاست‌گذاران نیز با طراحی و اجرای سازوکارهای حاکمیت شرکتی مؤثر و کارآمد، مانند گسترش فرهنگ اسلامی در بین بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی اسلامی، می‌توانند به ادامه حیات آن‌ها کمک کنند. به‌طور خلاصه، یک نظام حاکمیت شرکتی قوی با پیشگیری از فساد، تقلب و ورشکستگی مالی، به شفافیت اطلاعات مالی بانک کمک می‌کند.

نظام حاکمیت شرکتی شامل مجموعه‌ای از روابط میان مدیریت شرکت، هیئت‌مدیره، سهام‌داران و سایر گروه‌های ذی‌نفع است و ساختاری را فراهم می‌کند که از طریق آن اهداف بنگاه تنظیم و وسایل دستیابی به اهداف و نظارت بر عملکرد تعیین می‌شود. این نظام، انگیزه لازم را برای تحقق اهداف بنگاه در مدیریت و زمینه نظارت مؤثر و سازنده را فراهم کرده و به این ترتیب، شرکت‌ها منابع موجود را با اثربخشی بیشتری به کار

می‌گیرند. اجرای صحیح اصول حاکمیت شرکتی، به عنوان ابزاری مهم در ایجاد ثبات و سلامت یک نهاد مالی، در نظر گرفته می‌شود و ارزیابی میزان رعایت اصول حاکمیت شرکتی برای اطمینان از تداوم حیات بلندمدت یک تشکیلات اقتصادی، برای ناظران بیرونی اهمیت بالایی دارد. این ارزیابی از طریق مجموعه‌ای از معیارها و مؤلفه‌ها شامل مسئولیت‌پذیری، پاسخ‌گویی، شفافیت و انصاف و شاخص‌های چندساحتی و مدرج، قابل محاسبه و رتبه‌بندی است.

در ایران، در راستای حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران، پیشگیری از وقوع تخلفات و نیز ساماندهی و توسعه بازار شفاف و منصفانه اوراق بهادار (طبق بندهای ۸، ۱۱ و ۱۸ ماده ۷ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴) و در راستای اصلاح نهادی حاکمیت شرکتی (طبق بند (ح) ماده ۴ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه)، دستورالعمل حاکمیت شرکتی در تاریخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۷، در ۶ فصل، ۴۴ ماده و ۲۴ تبصره، توسط هیئت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار به تصویب رسید و سپس در سال ۱۴۰۱ مورد اصلاح و بازنگری قرار گرفت. اگرچه مدت زمان زیادی از تصویب این قانون نمی‌گذرد، بررسی اطلاعات مربوط به بانک‌ها، از جمله گزارش‌های مالی و اطلاعات درج‌شده در سایت آن‌ها، نشان می‌دهد که بانک‌های ایرانی اقدامات مؤثری در این راستا برداشته‌اند؛ برای مثال، بسیاری از بانک‌ها اقدام به تشکیل کمیته‌های تخصصی و واحد حسابرسی داخلی کرده‌اند؛ علاوه بر این، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز در سال ۱۳۹۵ اقدام به آسیب‌شناسی نظام حاکمیت بانک‌ها کرده است. در مجموع، این اقدامات باعث شده است که بانک‌های ایران، همراه با سایر شرکت‌های بورسی، گام‌های مؤثری را برای بهبود نظام راهبری شرکتی بردارند؛ اما به نظر می‌رسد هنوز تا رسیدن به نقطه بهینه فاصله زیادی وجود دارد؛ بنابراین، آسیب‌شناسی نظام حاکمیت شرکتی در بانک‌ها امری ضروری و لازم است. از طرفی، نظام حاکمیت شرکتی به دنبال رسیدن به سه هدف اصلی، یعنی افزایش قابلیت اتکای گزارش‌های مالی، رعایت قوانین و مقررات و اهداف عملیاتی (ارتقای کارایی، اثربخشی و صرفه اقتصادی) است. در حال حاضر، در شرکت‌های ایرانی، هدف اول بیشتر در اولویت قرار دارد که این امر را به راحتی می‌توان

از گزارش کنترل‌های داخلی که توسط مدیران تهیه می‌شود، دریافت کرد. در ادامه، به بیان مسئله، پیشینه پژوهش، روش اجرای کار، یافته‌ها، بحث و بررسی و پیشنهادهای پژوهش پرداخته شده است.

۲. تعریف و بیان مسئله

امروزه نظام حاکمیت شرکتی از مفاهیم بااهمیت در جهت حل و فصل مشکلات اجتماعی و بهبود روابط اجتماعی میان مدیریت شرکت، هیئت‌مدیره، سهام‌داران و سایر گروه‌های ذی‌نفع تلقی شده و بسیاری از سازمان‌ها، از جمله بانک‌ها، برای دستیابی به بهترین عملکرد، کنترل و نظارت مؤثر، به‌کارگیری اثربخش منابع و ایجاد انگیزه لازم برای تحقق اهداف بنگاه در مدیریت، به این راهبرد روی آورده‌اند. استقرار درست حاکمیت شرکتی، راهی مهم برای استفاده بهتر از منابع، افزایش پاسخ‌گویی و شفافیت و رعایت حقوق همه ذی‌نفعان بانک‌هاست. این سازوکار همچنین می‌تواند مشکل نمایندگی را کاهش دهد و مانع استفاده نادرست مدیران از منابع شرکت شود (مهران‌پور و کاظم‌پور، ۱۴۰۱).

حاکمیت شرکتی عمدتاً به روش‌هایی توجه دارد که شرکت‌ها و بانک‌ها با آن روش‌ها اداره و کنترل می‌شوند. نمی‌توان برای تمامی شرکت‌ها نسخه واحدی از حاکمیت شرکتی پیچید؛ بلکه نظام حاکمیت شرکتی در هر کشوری با عواملی نظیر ساختار مالکیت شرکت‌ها، وضعیت اقتصادی، نظام قانونی، سیاست‌های دولتی و فرهنگ تعیین می‌شود. حاکمیت شرکتی می‌تواند با افزایش عدم تمرکز در کنترل شرکت‌ها، از قدرت مدیران در پیگیری منافع شخصی بکاهد و باعث بهبود عملکرد شرکت‌ها شود؛ به عبارتی، حاکمیت شرکتی دربرگیرنده مجموعه‌ای از روابط میان مدیریت شرکت، هیئت‌مدیره، سهام‌داران و سایر گروه‌های ذی‌نفع است و ساختاری را فراهم می‌کند که از طریق آن هدف‌های بنگاه تنظیم و وسایل دستیابی به هدف‌ها و نظارت بر عملکرد تعیین می‌شود. این نظام، انگیزه لازم برای تحقق اهداف بنگاه را در مدیریت ایجاد کرده و زمینه نظارت مؤثر را فراهم می‌کند.

یکی از ابعاد آسیب‌شناسی نظام بانکی در ایران، بررسی چالش‌هایی است که به مسائل درون بانکی، ساختارهای داخلی و نحوه اداره بانک‌ها مرتبط می‌شود. آسیب‌شناسی نظام بانکی با محوریت مسائل درون بانکی، نیازمند شناخت مناسب از ساختارهای مطلوب درون سازمانی بانک است. ساختار درون سازمانی بانک را می‌توان در دو بخش لایه‌های سخت (همانند پست‌های ارشد مدیریتی، اعم از هیئت مدیره، هیئت عامل و... و کمیته‌ها و واحدهای سازمانی) و لایه‌های نرم (همچون حسابرسی، ریسک، تطبیق، جبران خدمات، شفافیت و افشا و...) دانست.

اصول ۱۳ گانه مربوط به رهنمودهای حاکمیت شرکتی برای بانک‌ها از انتشارات بال (۲۰۱۵)، می‌تواند معیار مناسبی برای تشخیص آسیب‌های مربوط به نظام حاکمیت شرکتی تلقی شود. این رهنمودها از اصول حاکمیت شرکتی منتشرشده توسط سازمان توسعه همکاری‌های اقتصادی استنباط شده‌اند و در آن‌ها به نقش نظارتی و همچنین بررسی ریسک توجه ویژه‌ای شده است. این اصول ۱۳ گانه شامل مسئولیت‌های کلی هیئت مدیره، شرایط احراز و ترکیب هیئت مدیره، ساختار و رویه‌های هیئت مدیره، مدیریت ارشد (مدیرعامل)، حاکمیت شرکتی در ساختارهای گروهی (مانند شرکت مادر و شرکت‌های فرعی و وابسته)، واحد مدیریت ریسک، شناسایی، پایش و کنترل ریسک، ارتباطات ریسک، رعایت الزامات و قوانین و مقررات، حسابرسی داخلی، حقوق و مزایا، شفافیت و افشا و نقش ناظران هستند. انتظار می‌رود در یک نظام حاکمیت شرکتی مطلوب در بانک، به این سیزده اصل توجه ویژه‌ای شود.

علاوه بر این تقسیم‌بندی، روش‌های دیگری نیز برای تعیین مؤلفه‌های اصلی حاکمیت شرکتی وجود دارد که در پژوهش‌ها، مقالات و کتاب‌های مربوط مورد بحث قرار گرفته‌اند. به جز مطالب فوق، در آسیب‌شناسی نظام حاکمیت شرکتی باید به چند موضوع اصلی زیر توجه داشت:

باتوجه به اینکه نظام حاکمیت شرکتی بانک‌های ایرانی باید یک نظام اسلامی باشد و ایران از جمله کشورهایی است که در آن قانون بانکداری بدون ربا تصویب شده و تمامی مؤسسات بر اساس بانکداری اسلامی فعالیت می‌کنند، در بحث شناسایی مؤلفه‌های

اصلی و فرعی حاکمیت شرکتی باید به مسائل شرعی و اسلامی توجه شود؛ به عنوان مثال، شورای فقهی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در زیرمجموعه این مؤلفه قابل بررسی است.

از طرفی، در ایران تاکنون چندین دستورالعمل در رابطه با حاکمیت شرکتی توسط مراجع ذی صلاح صادر شده است (مانند دستورالعمل حاکمیت شرکتی مصوب سازمان بورس و اوراق بهادار تهران در سال ۱۳۹۷ و اصلاح آن در سال ۱۴۰۱ و دستورالعمل الزامات ناظر بر حاکمیت شرکتی در مؤسسات اعتباری غیردولتی)؛ اما با بررسی گزارش‌های حسابرسی مربوط به بانک، می‌توان گفت که تمامی نکات و مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی پیش‌بینی شده در این دستورالعمل‌ها مورد توجه بانک‌ها، مؤسسات مالی و اعتباری و شرکت‌های تابعه قرار نگرفته است؛ به عبارتی، با وجود اینکه تحقیقات و پژوهش‌های زیادی در رابطه با حاکمیت شرکتی در ایران انجام شده، دستورالعمل‌های متعددی توسط مراجع قانونی در رابطه با نظام حاکمیت شرکتی صادر شده و بانک‌های ایرانی گام‌های مثبتی را برای پیاده‌سازی نظام حاکمیت شرکتی برداشته‌اند، به نظر می‌رسد تا رسیدن به نقطه مطلوب که هدف غایی پیاده‌سازی نظام حاکمیت شرکتی است، هنوز فاصله زیادی وجود دارد؛ به عبارت دیگر، بانک‌ها هنوز در میانه راه بوده و تا رسیدن به قله (هدف نهایی حاکمیت شرکتی)، مسیر طولانی‌ای را باید طی کنند و برای رسیدن به این نقطه، موانع و آسیب‌های زیادی وجود دارد که شناسایی و اصلاح آن‌ها ضروری است. یکی از مؤلفه‌های مهم حاکمیت شرکتی، واحد حسابرسی داخلی است. واحد حسابرسی داخلی در بانک‌ها نقشی حیاتی در حفظ سلامت مالی و رعایت مقررات ایفا می‌کند. این واحد با ارزیابی مستمر فرایندها و کنترل‌های داخلی، ریسک‌ها را شناسایی و کاهش می‌دهد؛ همچنین، با ارائه گزارش‌های مستقل به هیئت مدیره، به بهبود عملکرد و شفافیت بانک کمک شایانی می‌کند. کمیته ریسک، به عنوان یکی از اساسی‌ترین ارکان حاکمیت شرکتی، وظیفه نظارت بر شناسایی، ارزیابی و مدیریت مخاطرات راهبردی و عملیاتی بانک را بر عهده دارد. این کمیته با تعیین چارچوب‌های ریسک، نقشی کلیدی در همسو کردن راهبردهای بانک ایفا می‌کند. وجود یک کمیته

فعال و مستقل، از بروز تصمیمات هیجان‌زده جلوگیری کرده و اطمینان حاصل می‌کند که مدیریت بانک همواره در چارچوب سیاست‌های حفاظتی فعالیت می‌کند؛ علاوه بر این، کمیته ریسک با پایش مستمر نوسانات بازار و تهدیدهای نوظهور، از تضعیف حقوق سهام‌داران شرکت جلوگیری می‌کند. در نهایت، کارآمدی این کمیته، سطح اعتماد سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر ذی‌نفعان را نسبت به شفافیت و سلامت ساختار مدیریتی بانک، به‌طور چشمگیری افزایش می‌دهد.

باتوجه به مطالب فوق، دو سؤال اصلی این پژوهش عبارت است: آسیب‌های مربوط به دو مؤلفه کمیته ریسک و واحد حسابرسی داخلی مربوط به حاکمیت شرکتی در بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری کدام‌اند؟ آیا بین آسیب‌های مربوط به دو مؤلفه کمیته ریسک و واحد حسابرسی داخلی مربوط به حاکمیت شرکتی در بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری دولتی و خصوصی، تفاوت معناداری وجود دارد؟

۳. سؤال‌های پژوهش

باتوجه به ماهیت پژوهش، برای پژوهش حاضر فرضیه‌ای مطرح نمی‌شود، اما سؤال‌های پژوهش عبارت‌اند از:

۱. نقاط قوت و ضعف استقرار حاکمیت شرکتی در بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری، بر اساس مؤلفه کمیته ریسک، کدام‌اند؟
۲. آیا بین نقاط قوت و ضعف مربوط به مؤلفه کمیته ریسک، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های نظام حاکمیت شرکتی، در دو گروه بانک‌های دولتی و خصوصی، از دیدگاه پاسخ‌دهندگان، تفاوت معناداری وجود دارد؟
۳. نقاط قوت و ضعف استقرار حاکمیت شرکتی در بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری، بر اساس مؤلفه حسابرسی داخلی، کدام‌اند؟
۴. آیا بین نقاط قوت و ضعف مربوط به مؤلفه حسابرسی داخلی، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های نظام حاکمیت شرکتی، در دو گروه بانک‌های دولتی و خصوصی، از دیدگاه پاسخ‌دهندگان، تفاوت معناداری وجود دارد؟

۴. پیشینه پژوهش

آدو^۱ و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهش خود، روابط متقابل بین شاخص افشای حاکمیت شرکتی، ویژگی‌های پایداری مربوط به بانک، تغییرات آب‌وهوایی مبتنی بر بانک و عملکرد مالی را بررسی کردند. بر اساس مجموعه داده پانلی شامل ۲۷۸۵ مشاهده (۲۲۰ بانک) از ۱۶ کشور جنوب صحرای آفریقا، بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۲، مشاهده شد که چارچوب گزارش‌دهی پایداری بانک و کمیته پایداری هیئت‌مدیره، به‌طور مثبت با افزایش سطح طرح‌های تغییرات آب‌وهوایی بانک‌ها مرتبط هستند. روابط یادشده به کیفیت سازوکارهای حاکمیت شرکتی بانک بستگی دارد. کمیته پایداری هیئت‌مدیره، به‌طور مثبت با عملکرد مالی مرتبط است؛ اما چارچوب گزارش‌دهی پایداری بانک هیچ تأثیری بر عملکرد مالی ندارد. افشای طرح‌های تغییرات آب‌وهوایی بانک‌ها تأثیر مثبتی بر عملکرد مالی دارد؛ اما به نظر نمی‌رسد سرمایه‌گذاری‌های واقعی را بهبود بخشد. ارتباط بین طرح‌های تغییرات آب‌وهوایی و عملکرد مالی، به‌طور قابل‌توجهی توسط سازوکارهای حاکمیت شرکتی تعدیل می‌شود.

اردو^۲ (۲۰۲۳) تحقیقی با هدف ارزیابی انتقادی نظام نظارتی حاکمیت شرکتی نیجریه که با فساد سیستمی شرکتی احاطه شده است، انجام داد. نتایج نشان داد که اجزای جدایی‌ناپذیر کشور می‌توانند پیشرفت سازوکارهای نظارتی را تسهیل کنند یا مانع اجرای مقررات مؤثر حاکمیت شرکتی شوند؛ بنابراین، این تحقیق استدلال می‌کند که مشارکت بیشتر دولت در مقررات حاکمیت شرکتی بانک‌های نیجریه، بسیار مورد نیاز است.

لی^۳ و همکاران (۲۰۲۳) در تحقیقی، تأثیر حاکمیت داخلی و خارجی را بر ریسک سیستماتیک بانک بررسی کردند. آن‌ها با استفاده از داده‌های بانک‌های فهرست‌شده در چین طی سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۰، نشان دادند که عواملی مانند هیئت‌مدیره قوی و ساختار مالکیت به کاهش ریسک سیستمی کمک می‌کنند. سرمایه‌گذاران نهادی، برخلاف بانک‌های ایالات متحده و بازارهای اروپایی، نقش نظارتی در مهار ریسک‌پذیری

1. Adu

2. Ordu

3. Lee

بیش از حد بانک ایفا می‌کنند. یافته‌ها نشان داد که حاکمیت داخلی، مکمل حاکمیت خارجی در بهبود ثبات مالی است و پیامدهایی را ارائه می‌دهد مبنی بر اینکه بانک‌ها باید اثربخشی حاکمیت داخلی را بهبود بخشند و دولت‌ها نیز باید فعالانه سرمایه‌گذاران نهادی را تشویق کنند تا در حاکمیت شرکتی مشارکت کنند.

ورمی^۱ (۲۰۲۳) مطالعه‌ای با هدف بررسی تفاوت‌ها در رویکرد مقررات حاکمیت شرکتی و اجرای آن در بریتانیا و ایالات متحده انجام داد. با انجام این کار، تحقیق فراتر از قانون در کتاب‌ها قدم می‌گذارد و نحوه عملکرد قانون و نحوه اجرای آن را در نظر می‌گیرد. این مطالعه نتیجه‌گیری می‌کند که رویکرد حاکمیت شرکتی (مبتنی بر قوانین یا مبتنی بر اصول)، تأثیر مادی بر سوء رفتار شرکتی ندارد. در عوض، این مطالعه ادعا می‌کند که اثربخشی رویکرد بریتانیا در اجرای حاکمیت شرکتی، به دلیل وجود چارچوب اجرایی آشفته با چندین تنظیم‌کننده مدنی و کیفری، تضعیف می‌شود. در مقایسه با هم‌تایان بریتانیایی خود، احتمال بیشتری وجود دارد که مدیران ایالات متحده به دلیل سوء رفتار شرکتی با تحریم مواجه شوند. با توجه به اینکه اثربخشی مقررات در ارتباط با اجرای آن سنجیده می‌شود، اثربخشی نظام اجرای حاکمیت شرکتی بریتانیا برای جلوگیری از تخلفات شرکتی مورد تردید است. در نهایت، انگیزه کمی برای مدیران، به منظور مشارکت مؤثر در پیشگیری و کشف تخلفات شرکتی، وجود دارد.

شارما^۲ (۲۰۲۲) به بررسی تأثیر پیشایندهای نهادی بر انطباق حاکمیت شرکتی شرکت‌های چندملیتی پرداخت. یافته‌های این مطالعه، بر اساس ۸۶۰ مشاهده - سال شرکت برای سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹، با استفاده از تکنیک‌های پیشرفته اقتصادسنجی شامل اثرات ثابت، اثرات تصادفی و روش تعمیم‌یافته گشتاورها برای تحلیل رگرسیون چندگانه، نشان داد که متغیرهای کیفیت حکمرانی ملی، فاصله نهادی بین کشورهای اصلی و میزبان و سطح فساد کشور میزبان، به طور قابل توجهی بر انطباق شرکت‌های تابعه شرکت‌های چندملیتی تأثیر می‌گذارند. اثر این عوامل بین صنایع متفاوت است و

1. Worme

2. Sharma

نقش عوامل نهادی برای شرکت‌های تابعه‌ای که در اقتصادهای پیشرفته و در حال توسعه ایجاد می‌شوند نیز متفاوت است.

متوالی^۱ (۲۰۱۹) به بررسی تأثیر فرهنگ شرکتی و حاکمیت شرکتی بر عملکرد بانک‌ها در مصر می‌پردازد. چهارده ساختار، از بررسی ادبیات، شناسایی شده است که ممکن است عملکرد بانک‌ها را در مصر افزایش دهد. ده ساختار مرتبط با فرهنگ سازمانی عبارت‌اند از: ارتباطات، رهبری و لحن، ریسک، شفافیت، کنترل، اخلاق و صداقت، هماهنگی و یکپارچگی، تعهد، مسئولیت‌پذیری و سازگاری با محیط. چهار ساختار باقی‌مانده مربوط به حاکمیت شرکتی که در ویژگی‌های هیئت‌مدیره نشان داده شده‌اند، عبارت‌اند از: اندازه هیئت‌مدیره، تعداد جلسات، استقلال هیئت‌مدیره و دوگانگی مدیرعامل. محقق همچنین از سه معیار عملکرد، نرخ بازده دارایی‌ها، نرخ بازده حقوق صاحبان سهام و حاشیه سود خالص بانک، استفاده کرد. پرسش‌نامه ابعاد فرهنگ سازمانی برای ۵۲۲ نفر از کارکنان بانک‌ها اجرا شد. دو مدل توسعه داده شد و ۲۳ بانک در مصر در این تحقیق مشارکت داشتند. این تحقیق یک دوره پنج‌ساله (۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴) را پوشش می‌دهد. برای آزمون ده فرضیه مدل اول از رگرسیون ریج و برای آزمون چهار فرضیه مدل دوم از رگرسیون OLS استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که فرهنگ شرکتی و ویژگی‌های هیئت‌مدیره بر عملکرد بانک‌ها تأثیر می‌گذارد. مدل اول نشان می‌دهد که بین شفافیت، فرهنگ صحیح ریسک و عملکرد، با استفاده از نرخ بازده دارایی‌ها (ROA) و نرخ بازده حقوق صاحبان سهام (ROE)، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ علاوه بر این، رابطه‌ای مثبت بین رهبری و لحن و حاشیه سود خالص (NIM) وجود دارد. مدل دوم، رابطه منفی و معنادار بین فراوانی جلسات و ROA، رابطه منفی و معنادار بین اندازه هیئت‌مدیره و ROA، رابطه مثبت و معنادار بین استقلال هیئت‌مدیره و ROA و رابطه مثبت و معنادار بین دوگانگی مدیرعامل و NIM را نشان می‌دهد.

نیفر و جاربوری^۲ (۲۰۱۸) به بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر محتوای

1. Metwally

2. Neifar & Jarboui

اطلاعاتی افشای داوطلبانه ریسک عملیاتی پرداختند. برای جمع‌آوری داده‌های مربوط به افشای ریسک عملیاتی، از روش تحلیل محتوا و گزارش‌های سالیانه ۳۴ بانک اسلامی در کشورهای مختلف، طی دوره زمانی ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴، استفاده شد. نتایج پژوهش آنان، با استفاده از تحلیل‌های همبستگی و رگرسیون چندگانه، نشان داد که اطلاعات افشاشده درباره ریسک عملیاتی، از منظر ارزیابی ریسک بانک‌ها، برای سرمایه‌گذاران دارای محتوای اطلاعاتی است.

آلشکمبارک^۱ (۲۰۱۵) در پژوهش خود، رابطه بین حاکمیت شرکتی و اخلاق تجاری در بانک‌های فهرست‌شده در عربستان را با استفاده از چارچوب پاسخ‌گویی بررسی کرد. وی از دو روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و پیمایش پرسش‌نامه استفاده کرد. یافته‌های پژوهش او نشان داد که حاکمیت شرکتی، در حال حاضر، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مفاهیم برای بانک‌های سعودی و به‌طورکلی بخش مالی این کشور تلقی می‌شود؛ اما در خصوص کفایت و اثربخشی مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد.

عبدالله^۲ (۲۰۱۴) مطالعه‌ای با هدف بررسی شیوه‌های حاکمیت شرکتی و مدیریت ریسک و ارتباط بالقوه بین این دو متغیر در بانک‌های اسلامی کشورهای مختلف انجام داد. این مطالعه با استفاده از تحلیل محتوا، وضعیت حاکمیت شرکتی اسلامی و شیوه‌های مدیریت ریسک در بانک‌های اسلامی را بررسی کرد. برای دستیابی به این هدف، ۱۸۱ گزارش سالیانه مربوط به ۵۳ بانک اسلامی مورد تحلیل قرار گرفت؛ علاوه بر این، حاکمیت شرکتی و شیوه‌های مدیریت ریسک بانک‌های اسلامی، از طریق تحلیل ادراکات مبتنی بر پاسخ‌های به دست‌آمده از پرسش‌نامه بانکداران و سرمایه‌گذاران اسلامی در ۲۸ بانک اسلامی از ۶ کشور و منطقه، نیز بررسی شد. نتایج نشان داد که رابطه بین حاکمیت شرکتی و مدیریت ریسک در بانک‌های اسلامی، در دوره مورد مطالعه، چندان قوی نیست؛ اما بررسی نوع رابطه نشان داد که بین این دو، رابطه‌ای مثبت وجود دارد.

1. Alshekmubarak

2. Abdullah

کراسپی و همکاران (۲۰۱۴) اثر حاکمیت شرکتی را بر عملکرد نظام بانکی، با تأکید بر شاخص‌های ثبات بانکی در کشور اسپانیا، بررسی کردند. یافته‌های این تحقیق حاکی از وجود رابطه منفی بین مداخله حاکمیت و عملکرد نظام بانکی بود؛ اما نتیجه این مداخله با تغییر نوع مالکیت بانک متفاوت بود. سازوکار کنترل داخلی باعث بهبود عملکرد بانک‌های تجاری می‌شود؛ ولی در بانک‌های سپرده‌پذیر، سازوکار ضعیف کنترل داخلی اثر چندانی بر بهبود عملکرد این نوع بانک‌ها ندارد.

ابی^۱ و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهش خود بررسی کردند که آیا سازوکارهای حاکمیت شرکتی مرتبط با مدیریت ریسک، مانند حضور مدیر ارشد ریسک در هیئت اجرایی بانک و نیز اینکه مدیر ارشد ریسک به مدیرعامل یا مستقیماً به هیئت مدیره گزارش می‌دهد یا خیر، بر عملکرد بانک‌ها در طول بحران مالی ۲۰۰۸/۲۰۰۷ تأثیر دارد. آنان عملکرد بانک را با بازده خرید و نگهداری و ROE اندازه‌گیری کردند و متغیرهای استاندارد حاکمیت شرکتی، مانند مالکیت مدیرعامل، اندازه هیئت مدیره و استقلال هیئت مدیره را نیز بررسی کردند. نتایج نشان داد بانک‌هایی که در آن‌ها مدیر ارشد ریسک مستقیماً به هیئت مدیره گزارش می‌دهد و نه به مدیرعامل (یا سایر نهادهای شرکتی)، به طور قابل توجهی بازده سهام و ROE بالاتری (یعنی کمتر منفی) در طول بحران از خود نشان می‌دهند. در مقابل، متغیرهای استاندارد حاکمیت شرکتی عمدتاً به طور ناچیز یا حتی منفی با عملکرد بانک‌ها در طول بحران مرتبط هستند.

تعدادی از پژوهش‌های داخلی در زمینه حاکمیت شرکتی در ایران، در جدول (۱) ارائه شده‌اند.

جدول (۱): خلاصه تعدادی از تحقیقات انجام شده در زمینه حاکمیت شرکتی در ایران

پژوهشگران	سال پژوهش	عنوان پژوهش	نتایج پژوهش
فتحی و ابوطالبی	۱۴۰۱	تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی شرکت‌ها با استفاده از روش فراتحلیل	حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی، ساختار سرمایه، تقسیم سود و سرمایه‌گذاری تأثیر دارد؛ ضمناً هر سه متغیر ساختار سرمایه، تقسیم سود و سرمایه‌گذاری بر عملکرد مالی تأثیر دارد.
محمدی سه‌دران و فغانی	۱۴۰۲	بررسی رابطه بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و پاداش مدیران	نتایج به دست آمده حاکی از این است که بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و پاداش مدیران ارتباط معناداری وجود ندارد؛ بنابراین هر سه فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه سازوکارهای حاکمیت شرکتی با پاداش مدیران ارتباط معناداری دارد، تأیید نشد.
مظفری و همکاران	۱۴۰۳	بررسی تأثیر استقلال کمیته حسابرسی بر محتوای اطلاعاتی اعلان سود با تأکید بر اثر تعدیلی کیفیت حاکمیت شرکتی	یافته‌های این پژوهش نشان داد که بین استقلال اعضای کمیته حسابرسی و محتوای اطلاعاتی اعلان سود شرکت‌ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و همچنین کیفیت حاکمیت شرکتی این رابطه را تشدید می‌کند.
فرهمند و همکاران	۱۴۰۴	مدل‌سازی حاکمیت شرکتی در رشد اقتصادی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران	شفافیت اطلاعات (با ضریب تأثیر ۰.۰۸ و سطح معناداری ۱٪)، کیفیت حسابرسی (با ضریب تأثیر ۰.۱۰ و سطح معناداری ۱٪)، دوگانگی مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره (با ضریب تأثیر ۰.۰۱۲ و سطح معناداری ۵٪) و تمرکز مالکیت (با ضریب تأثیر ۰.۰۳ و سطح معناداری ۵٪) بر نرخ رشد اقتصادی تأثیر معنادار و مثبتی دارند. اندازه هیئت مدیره بر نرخ رشد اقتصادی شرکت‌ها تأثیر معناداری ندارد.

باتوجه به پژوهش‌های فوق، می‌توان استنباط کرد که علی‌رغم پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه نظام حاکمیت شرکتی در بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری، پژوهش‌های اندکی به آسیب‌شناسی این نظام از منظر دو مؤلفه واحد حسابرسی داخلی و کمیته ریسک پرداخته‌اند. این شکاف پژوهشی، نیازمند انجام تحقیقات بیشتر در این حوزه است.

۵. روش اجرای پژوهش

در پژوهش حاضر، آسیب‌های نظام حاکمیت شرکتی با استفاده از ابزار پرسش‌نامه و به صورت پیمایشی شناسایی شدند؛ بدین منظور، از تعدادی پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شد. جامعه آماری در مرحله اول، بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری و در مرحله دوم، افراد صاحب‌نظر در زمینه حاکمیت شرکتی، شامل مدیران و کارکنان امور مالی بانک‌ها، کارکنان و مدیران کمیته تخصصی ریسک و کارکنان و مدیران واحد حسابرسی داخلی، هستند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران برابر ۲۶۷ نفر گردید که در نهایت، ۲۷۲ پرسش‌نامه جمع‌آوری شده قابل استفاده بود.

برای افزایش اعتبار و روایی محتوایی پژوهش، پرسش‌نامه‌های مورد نظر پس از طراحی، به تعدادی از استادان دانشگاه (متخصصان و افراد مجرب دانشگاهی) و کارشناسان مربوط تحویل داده شد تا نظرهای خود را درباره تک‌تک سؤال‌های مورد نظر اعلام کنند. پایایی پرسش‌نامه‌ها نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ سنجیده شد که در تمامی پرسش‌نامه‌ها، مقدار آلفای کرونباخ بیش از ۰/۷ بود. با توجه به اینکه پرسش‌نامه‌ها به صورت طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت طراحی شده بودند، برای آزمون فرضیه‌های آماری پژوهش از آزمون تی استیودنت استفاده شد.

۶. یافته‌های پژوهش

۶-۱. آمار توصیفی

آمار توصیفی مربوط به نمونه پژوهش از نظر نوع بانک نشان می‌دهد که ۲۷ درصد بانک‌ها دولتی، ۷۲ درصد خصوصی و حدود ۱ درصد نیز مؤسسات آموزشی و پژوهشی مربوط به حوزه بانکداری هستند.^۱ از نظر تجربه کاری، حدود ۲۳ درصد دارای سابقه کار کمتر از ۱۰ سال، ۴۲ درصد بین ۱۰ تا ۲۰ سال، ۲۴ درصد دارای سابقه کار بیش از ۲۰ سال هستند و

۱. با توجه به اینکه تعداد بانک‌های دولتی، در مقایسه با بانک‌های خصوصی، به مراتب کمتر است و از طرفی این بانک‌ها چندان حاضر به همکاری نبودند، تعداد پرسش‌نامه‌های جمع‌آوری شده از بانک‌های دولتی نیز در مقایسه با سایر بانک‌ها، به مراتب کمتر بود.

۱۱ درصد نیز سابقه کاری خود را اعلام نکرده‌اند. از نظر تحصیلات، حدود ۱۱ درصد دارای مدرک کمتر از کارشناسی، ۲۳ درصد کارشناسی، ۴۷ درصد کارشناسی ارشد، ۶ درصد دکتری و ۱۴ درصد نیز مدرک تحصیلی خود را مشخص نکرده‌اند. از نظر رشته دانشگاهی، ۳۶ درصد دارای تحصیلات حسابداری، ۱۷ درصد اقتصاد، ۲۱ درصد مدیریت، ۲۰ درصد سایر رشته‌های دانشگاهی هستند و ۶ درصد نیز رشته دانشگاهی خود را اعلام نکرده‌اند.

۶-۲. آمار استنباطی

پژوهش حاضر دارای ۹ سؤال مربوط به مؤلفه‌های اصلی نظام حاکمیت شرکتی است. باتوجه به اینکه برای پاسخ به سؤال‌های پرسش‌نامه‌ها از طیف پنج‌درجه‌ای «خیلی کم»، «کم»، «متوسط»، «زیاد» و «خیلی زیاد» استفاده شده است، برای یافتن آسیب‌ها و نقاط قوت نظام حاکمیت شرکتی در هر سؤال (سؤال‌های ۱، ۳ و ۵)، فرضیه‌های آماری به صورت زیر بیان شدند:

H₀ (فرضیه صفر): میانگین پاسخ‌های دریافتی برابر با عدد ۳ است.

H₁ (فرضیه مقابل): میانگین پاسخ‌های دریافتی مخالف عدد ۳ است.

در فرضیه‌های فوق، در صورتی که مقدار سطح معناداری کمتر از ۵ درصد باشد، فرضیه صفر رد و فرضیه مقابل پذیرفته می‌شود. در صورت پذیرش فرضیه مقابل، اگر مقدار میانگین از عدد ۳ کمتر باشد، به عنوان آسیب و اگر مقدار میانگین بیشتر از عدد ۳ باشد، به عنوان نقطه قوت نظام حاکمیت شرکتی در نظر گرفته می‌شود. مسلماً در صورتی که مقدار سطح معناداری از ۵ درصد بیشتر باشد، در رابطه با نقطه قوت یا آسیب نظام حاکمیت شرکتی نمی‌توان اظهار نظر کرد.

سؤال اول: نقاط قوت و ضعف استقرار حاکمیت شرکتی در بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری، بر اساس مؤلفه کمیته حسابرسی، کدام‌اند؟

نتایج حاصل از پاسخ‌های دریافتی مربوط به این سؤال، در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول ۲: نقاط قوت و ضعف حاکمیت شرکتی بر مبنای مؤلفه کمیته ریسک

گویه	میانگین	انحراف معیار	Sig	نتیجه
واحد مدیریت ریسک تا چه حد ریسک نوسانات ارزشهای خارجی را شناسایی می‌نماید؟	۳/۲	۱/۲۸	۰/۳۰۴	عدم تأیید
واحد مدیریت ریسک تا چه حد ریسک‌های نوظهور را شناسایی می‌نماید؟	۳/۲۹	۰/۹۹۴	۰/۵۳۴	آسیب
تا چه حد واحد مدیریت ریسک ریسک‌های قبلی بانک را مورد سنجش و اندازه‌گیری قرار می‌دهد؟	۳/۹۵	۰/۸۲۸	۰/۰۰	نقطه قوت
تا چه حد واحد مدیریت ریسک چارچوب راهبری ریسک بانک (شامل فرهنگ ریسک، ریسک‌پذیری و حدود ریسک) را مورد بازنگری قرار می‌دهد؟	۳/۸۸	۰/۸۱۵	۰/۰۰	نقطه قوت
تا چه حد واحد مدیریت ریسک چارچوب راهبری ریسک بانک (شامل فرهنگ ریسک، ریسک‌پذیری و حدود ریسک) را مورد تصویب قرار می‌دهد؟	۳/۴۳	۱/۱۳	۰/۰۱۱	نقطه قوت
تا چه حد واحد مدیریت ریسک چارچوب راهبری ریسک بانک (شامل فرهنگ ریسک، ریسک‌پذیری و حدود ریسک) را مورد حمایت قرار می‌دهد؟	۴/۱۵	۰/۵۸۳	۰/۰۰	نقطه قوت
تا چه حد واحد مدیریت ریسک چارچوب راهبری ریسک بانک (شامل فرهنگ ریسک، ریسک‌پذیری و حدود ریسک) را اجرا می‌کند؟	۳/۹۶	۰/۹۸۸	۰/۰۰	نقطه قوت
واحد مدیریت ریسک تا چه حد بر فعالیت‌های ریسک‌پذیری نظارت مستمر دارد؟	۳/۹۸	۰/۸۳۸	۰/۰۰	نقطه قوت
واحد مدیریت ریسک تا چه حد بر منافع در معرض ریسک مطابق با ریسک‌پذیری نظارت مستمر دارد؟	۳/۷۷	۰/۸۵۷	۰/۰۰	نقطه قوت
واحد مدیریت ریسک تا چه حد بر حدود ریسک مورد تصویب هیئت مدیره نظارت مستمر دارد؟	۴/۱۵	۰/۸۹۹	۰/۰۰	نقطه قوت

نتیجه	Sig	انحراف معیار	میانگین	گویه
نقطه قوت	۰/۰۰	۱/۱۸	۳/۸۳	واحد مدیریت ریسک تا چه حد بر رعایت الزامات سرمایه‌ای یا نقدینگی بانک نظارت مستمر دارد؟
آسیب	۰/۰۰	۰/۶۸۳	۳/۱۱	تا چه حد تمامی ریسک‌های بانک مورد شناسایی و ارزیابی قرار می‌گیرد؟
نقطه قوت	۰/۰۹۹	۱/۱۳	۳/۷۰	تا چه حد در بانک اقداماتی جهت شناسایی ریسک‌های جدید صورت می‌گیرد؟
آسیب	۰/۰۳۸	۱/۰۶	۳/۳۴	تا چه حد در بانک ریسک‌های ناشی از ادغام شناسایی و ارزیابی می‌شوند؟
نقطه قوت	۰/۰۰۱	۱/۰۷	۳/۵۷	تا چه حد در بانک ریسک واحدهای تابعه شناسایی و ارزیابی می‌شوند؟
آسیب	۰/۰۱۳	۱/۰۲	۳/۳۹	تا چه حد در بانک شیوه‌های مدونی برای شناسایی و اندازه‌گیری ریسک (مخصوصاً ریسک‌های کیفی) وجود دارد؟
نقطه قوت	۰/۰۰	۰/۹۱۷	۳/۶۰	تا چه حد سیستم کنترل داخلی بانک در شناسایی ریسک‌های بانک کمک می‌کند؟
نقطه قوت	۰/۰۰	۰/۷۶۵	۴/۲۷	واحد مدیریت ریسک تا چه حد گزارش‌های ریسک را در اختیار مدیریت ارشد قرار می‌دهد؟
نقطه قوت	۰/۰۰	۰/۸۷۴	۴/۲۱	واحد مدیریت ریسک تا چه حد گزارش‌های ریسک را در اختیار هیئت مدیره قرار می‌دهد؟
نقطه قوت	۰/۰۹	۰/۷۲۷	۳/۹۴	تا چه حد ریسک‌های مهمی که مستلزم واکنش سریع هستند، گزارش می‌شوند؟
نقطه قوت	۰/۰۰	۰/۹۰۸	۴/۰۲	تا چه حد مدیر ارشد واحد ریسک مستقل بوده و وظایف وی از سایر واحدها مجزا شده است؟
نقطه قوت	۰/۰۰	۰/۹۷۱	۴/۲۴	تا چه حد مدیر ارشد واحد ریسک توانایی تفسیر و تحلیل ریسک را دارد؟
نقطه قوت	۰/۰۰	۰/۶۹۸	۴/۴۱	تا چه حد مدیر ارشد واحد ریسک با کمیته ریسک و اعضای هیئت مدیره تعامل دارد؟
نقطه قوت	۰/۰۰	۰/۶۶۲	۴/۳۷	تا چه حد مدیر ارشد واحد ریسک به اعضای هیئت مدیره دسترسی راحت دارد؟

گویه	میانگین	انحراف معیار	Sig	نتیجه
تا چه حد انتصاب، عزل و سایر تغییرات در پست مدیر ارشد ریسک در هیئت‌مدیره یا کمیته ریسک تصویب می‌شود؟	۲/۷۸	۱/۱	۰/۰۰	آسیب
تا چه حد عملکرد، حقوق و مزایای مدیر ارشد ریسک توسط کمیته ریسک یا هیئت‌مدیره مورد بررسی قرار می‌گیرد؟	۳/۲۵	۱/۳۹	۰/۲۷۳	عدم تأیید
نظارت مدیر ارشد ریسک بر واحدهای مختلف بانک تا چه حد مؤثر است؟	۳/۲۱	۱/۰۹	۰/۱۰۲	عدم تأیید

همان‌گونه که نتایج جدول فوق نشان می‌دهد، از ۲۷ گویه بررسی شده، ۱۹ مورد به عنوان نقطه قوت، ۵ مورد به عنوان نقطه ضعف و تنها در ۳ مورد نیز نمی‌توان نتیجه مشخصی گرفت.

سؤال دوم: آیا بین نقاط قوت و ضعف مربوط به مؤلفه کمیته ریسک، به عنوان یکی از مؤلفه‌های نظام حاکمیت شرکتی، در دو گروه بانک‌های دولتی و خصوصی، از دیدگاه پاسخ‌دهندگان، تفاوت معناداری وجود دارد؟

فرضیه‌های آماری مربوط به این سؤال به صورت زیر مطرح می‌شوند:

$$H_0: \mu_1 = \mu_2$$

$$H_1: \mu_1 \neq \mu_2$$

نتایج حاصل از مقایسه مؤلفه کمیته ریسک در بین بانک‌های خصوصی و دولتی، در جدول زیر ارائه شده است. برای مقایسه میانگین دو گروه بانک‌های دولتی و خصوصی، از آزمون t استفاده شده است.

تفاوت معناداری وجود ندارد.	۰/۳۱	۳/۵۳	۳/۷۹	تا چه حد تمامی ریسک‌های بانک مورد شناسایی و ارزیابی قرار می‌گیرد؟
تفاوت معناداری وجود دارد.	۰/۵۲	۲/۸۰	۳/۶۷	تا چه در بانک اقداماتی جهت شناسایی ریسک‌های جدید صورت می‌گیرد؟
تفاوت معناداری وجود ندارد.	۰/۷۵	۳/۳۳	۳/۳۴	تا چه در بانک ریسک‌های ناشی از ادغام شناسایی و ارزیابی می‌شوند؟
تفاوت معناداری وجود ندارد.	۰/۳۳	۳/۳۱	۳/۶۸	تا چه در بانک ریسک واحدهای تابعه شناسایی و ارزیابی می‌شوند؟
تفاوت معناداری وجود ندارد.	۰/۴۸	۳/۴۰	۳/۳۹	تا چه در بانک شیوه‌های مدونی برای شناسایی و اندازه‌گیری ریسک (مخصوصاً ریسک‌های کیفی) وجود دارد؟
تفاوت معناداری وجود ندارد.	۰/۶۳	۳/۶۰	۳/۶۱	تا چه حد سیستم کنترل داخلی بانک در شناسایی ریسک‌های بانک کمک می‌کند؟
تفاوت معناداری وجود ندارد.	۰/۴۰	۴/۲۱	۴/۴۰	واحد مدیریت ریسک تا چه حد گزارش‌های ریسک را در اختیار مدیریت ارشد قرار می‌دهد؟
تفاوت معناداری وجود ندارد.	۰/۸۶۰	۴/۱۲	۴/۴	واحد مدیریت ریسک تا چه حد گزارش‌های ریسک را در اختیار هیئت‌مدیره قرار می‌دهد؟
تفاوت معناداری وجود ندارد.	۰/۳۰۲	۴	۳/۸۰	تا چه حد ریسک‌های مهمی که مستلزم واکنش سریع هستند، گزارش می‌شوند؟
تفاوت معناداری وجود ندارد.	۰/۳۳۳	۴/۰۰	۴/۰۴	تا چه حد مدیر ارشد واحد ریسک مستقل بوده و وظایف وی از سایر واحدها مجزا شده است؟
تفاوت معناداری وجود ندارد.	۰/۲۴	۴/۱۴	۴/۴۴	تا چه حد مدیر ارشد واحد ریسک توانایی تفسیر و تحلیل ریسک را دارد؟
تفاوت معناداری وجود ندارد.	۰/۱۵	۴/۳۷	۴/۵۰	تا چه حد مدیر ارشد واحد ریسک با کمیته ریسک و اعضای هیئت‌مدیره تعامل دارد؟
تفاوت معناداری وجود ندارد.	۰/۸۳	۴/۴۰	۴/۳۱	تا چه حد مدیر ارشد واحد ریسک به اعضای هیئت‌مدیره دسترسی راحت دارد؟
تفاوت معناداری وجود ندارد.	۰/۵۲	۴/۰۳	۴/۱۳	تا چه حد انتصاب، عزل و سایر تغییرات در پست مدیر ارشد ریسک در هیئت‌مدیره یا کمیته ریسک تصویب می‌شود؟
تفاوت معناداری وجود ندارد.	۰/۲۹	۲/۳۸	۲/۹۷	تا چه حد عملکرد، حقوق و مزایای مدیر ارشد ریسک توسط کمیته ریسک یا هیئت‌مدیره مورد بررسی قرار می‌گیرد؟
تفاوت معناداری وجود ندارد.	۰/۹۴	۳/۲۳	۳/۳۱	نظارت مدیر ارشد ریسک بر واحدهای مختلف بانک تا چه حد مؤثر است؟

جدول ۳: مقایسه نقاط قوت و ضعف مؤلفه کمیته ریسک در بین بانک‌های خصوصی و دولتی

نتیجه	Sig	میانگین دولتی	میانگین خصوصی	گویه
تفاوت معناداری وجود ندارد.	۰/۲۶	۳/۰۷	۳/۴۷	واحد مدیریت ریسک تا چه حد ریسک نوسانات ارزهای خارجی را شناسایی می‌نماید؟
تفاوت معناداری وجود ندارد.	۰/۸۳	۳/۲۳	۳/۴۴	واحد مدیریت ریسک تا چه حد ریسک‌های نوظهور را شناسایی می‌نماید؟
تفاوت معناداری وجود دارد.	۰/۰۶	۳/۹۰	۴/۰۶	تا چه حد واحد مدیریت ریسک ریسک‌های قبلی بانک را مورد سنجش و اندازه‌گیری قرار می‌دهد؟
تفاوت معناداری وجود ندارد.	۰/۶۳	۳/۸۲	۴	تا چه حد واحد مدیریت ریسک چارچوب راهبری ریسک بانک (شامل فرهنگ ریسک، ریسک‌پذیری و حدود ریسک) را مورد بازنگری قرار می‌دهد؟
تفاوت معناداری وجود ندارد.	۰/۸۷	۳/۲۵	۳/۵۲	تا چه حد واحد مدیریت ریسک چارچوب راهبری ریسک بانک (شامل فرهنگ ریسک، ریسک‌پذیری و حدود ریسک) را مورد تصویب قرار می‌دهد؟
تفاوت معناداری وجود ندارد.	۰/۹۹	۴/۸۲	۴/۲۰	تا چه حد واحد مدیریت ریسک چارچوب راهبری ریسک بانک (شامل فرهنگ ریسک، ریسک‌پذیری و حدود ریسک) را مورد حمایت قرار می‌دهد؟
تفاوت معناداری وجود ندارد.	۰/۹۱	۳/۹۳	۳/۹۷	تا چه حد واحد مدیریت ریسک چارچوب راهبری ریسک بانک (شامل فرهنگ ریسک، ریسک‌پذیری و حدود ریسک) را اجرا می‌کند؟
تفاوت معناداری وجود ندارد.	۰/۷۸	۳/۹۷	۴/۰۰	واحد مدیریت ریسک تا چه حد بر فعالیت‌های ریسک‌پذیری نظارت مستمر دارد؟
تفاوت معناداری وجود ندارد.	۰/۹۴	۳/۷۳	۳/۸۷	واحد مدیریت ریسک تا چه حد بر منافع در معرض ریسک مطابق با ریسک‌پذیری نظارت مستمر دارد؟
تفاوت معناداری وجود ندارد.	۰/۳۲	۴/۰۳	۴/۳۳	واحد مدیریت ریسک تا چه حد بر حدود ریسک مورد تصویب هیئت مدیره نظارت مستمر دارد؟
تفاوت معناداری وجود دارد.	۰/۰۰	۳/۲۴	۴/۰۳	واحد مدیریت ریسک تا چه حد بر رعایت الزامات سرمایه‌ای یا نقدینگی بانک نظارت مستمر دارد؟

همان‌گونه که نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد، تنها در سه مورد تفاوت معناداری بین بانک‌های دولتی و خصوصی وجود دارد. باتوجه به اینکه در تمامی این سؤال‌ها، میانگین بانک‌های خصوصی از بانک‌های دولتی بیشتر است، می‌توان نتیجه گرفت که عملکرد کمیته ریسک بانک‌های خصوصی در موارد زیر بهتر از بانک‌های دولتی بوده است:

• واحد مدیریت ریسک، ریسک‌های قبلی بانک را مورد سنجش و اندازه‌گیری قرار می‌دهد.

• واحد مدیریت ریسک بر رعایت الزامات سرمایه‌ای یا نقدینگی بانک نظارت مستمر دارد.

• در بانک اقداماتی برای شناسایی ریسک‌های جدید صورت می‌گیرد.

سؤال سوم: نقاط قوت و ضعف استقرار حاکمیت شرکتی در بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری، بر اساس مؤلفه واحد حسابرسی داخلی، کدام‌اند؟

نتایج حاصل از پاسخ‌های دریافتی مربوط به این سؤال، در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول ۴: نقاط قوت و ضعف حاکمیت شرکتی بر مبنای مؤلفه حسابرسی داخلی

نتیجه	Sig	انحراف معیار	میانگین	گویه
عدم تأیید	۰/۳۸۲	۱/۲۲	۳/۱۵	واحد حسابرسی داخلی دارای ساختار، شرح وظایف و اختیارات مصوب هیئت مدیره، متناسب با کسب‌وکار و ریسک‌های پیشرو بانک یا مؤسسه اعتباری است.
نقطه قوت	۰/۰۰	۰/۹۸	۳/۶۱	واحد حسابرسی داخلی از فعالیت‌های واحدهای حسابرسی شونده، مستقل و به میزان کافی سابقه، مهارت و منابع اختیار دارد.
نقطه قوت	۰/۰۰۴	۰/۳۱	۳/۵۴	واحد حسابرسی داخلی در برابر هیئت مدیره بانک یا مؤسسه اعتباری در خصوص تمامی موارد مرتبط با نحوه اجرای دستورات و احکام آن‌ها پاسخگو می‌باشد.
نقطه قوت	۰/۰۰	۱/۱۳	۴/۰۷	واحد حسابرسی داخلی خود را ملزم به رعایت ضوابط حرفه‌ای نظیر استانداردهای حسابرسی می‌داند.

گویه	میانگین	انحراف معیار	Sig	نتیجه
واحد حسابرسی داخلی گزارش‌های خود را برای هیئت‌مدیره و بدون هرگونه صلاحدید مدیریتی تهیه می‌کند.	۳/۷۰	۱/۲۰	۰/۰۰	نقطه قوت
واحد حساب‌رسان داخلی به اعضای هیئت‌مدیره و اعضای کمیته حسابرسی دسترسی مستقیم دارد.	۳/۵۴	۱/۱۴	۰/۰۰۱	نقطه قوت
مدیر حسابرسی داخلی به‌طور مستقیم به کمیته حسابرسی یا هیئت‌مدیره گزارش می‌دهد.	۳/۹۱	۱/۱۴	۰/۰۰	نقطه قوت
آیا منشور حسابرسی داخلی به‌طور واضح وظایف، مسئولیت‌ها و اختیارات واحد حسابرسی داخلی را مشخص می‌کند؟	۳/۹۳	۱/۲۰	۰/۰۰	نقطه قوت
واحد حسابرسی داخلی به بررسی کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی می‌پردازد.	۳/۷۲	۱/۱۸	۰/۰۰	نقطه قوت
واحد حسابرسی داخلی به ارزیابی مستقل کارایی و اثربخشی فرایندها و نظام کنترل داخلی، مدیریت ریسک و چارچوب حاکمیتی می‌پردازد.	۳/۹۴	۱/۱۱	۰/۰۰	نقطه قوت
واحد حسابرسی داخلی امکان دسترسی نامحدود به کلیه اسناد و مدارک، دارایی‌ها، کارکنان و مشاهده فرایندهای شرکت و شرکت‌های فرعی را دارد.	۳/۰۹	۱/۱۶	۰/۰۴۸	نقطه ضعف
واحد حسابرسی داخلی به ارزیابی دوره‌ای چارچوب کلی ریسک حاکمیتی بانک یا مؤسسه اعتباری، از جمله اثربخشی مدیریت ریسک؛ کیفیت گزارش‌دهی ریسک به هیئت‌مدیره؛ و اثربخشی نظام‌های کنترل داخلی بانک یا مؤسسه می‌پردازد.	۳/۴۳	۱/۱۴	۰/۰۰۳	نقطه قوت
انجام‌دادن هرگونه وظایف اجرایی در شرکت و شرکت‌های فرعی توسط واحد حسابرسی داخلی کنترل می‌شود.	۳/۰۷	۱/۸۴	۰/۸۳۹	عدم تأیید
ایجاد و یا تصویب تراکنش‌های حسابداری خارج از واحد حسابرسی داخلی رعایت می‌شود.	۳/۳۸	۱/۴۷	۰/۰۶۵	نقطه قوت

گویه	میانگین	انحراف معیار	Sig	نتیجه
هدایت فعالیت‌های سایر کارکنان شرکت مگر تا میزانی که آنان برای کمک به تیم حسابرسی داخلی تخصیص داده شده‌اند، توسط واحد حسابرسی داخلی رعایت می‌شود.	۳/۲۸	۰/۹۹	۰/۰۴۵	نقطه قوت
عدم حسابرسی فعالیت‌هایی را که خود قبلاً در آن مسئولیت اجرایی داشته‌اند، توسط واحد حسابرسی داخلی رعایت می‌شود.	۳/۱۰	۱/۰۶	۰/۰۰	نقطه ضعف
عدم انجام سایر اعمالی که استقلال و بی‌طرفی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، توسط واحد حسابرسی داخلی رعایت می‌شود.	۳/۹۳	۰/۴۹	۰/۰۰	نقطه قوت
هیئت مدیره بانک یا مؤسسه اعتباری یک نفر را به عنوان مدیر ارشد حسابرسی داخلی با مسئولیت کامل و اختیارات لازم برای اجرای وظایف محوله منصوب نموده است.	۳/۸۰	۱/۳۶	۰/۰۰	نقطه قوت
انتصاب و عزل مدیر ارشد حسابرسی داخلی با تأیید قبلی بانک مرکزی صورت می‌گیرد.	۳/۸۹	۱/۲۵	۰/۰۰	نقطه قوت
آیا کمیته حسابرسی در فرایند انتصاب و ارزیابی عملکرد مدیر حسابرسی داخلی نقش دارد؟	۳/۳	۱/۴۳	۰/۰۷۲	نقطه قوت

همان‌گونه که نتایج جدول فوق نشان می‌دهد، از ۲۰ گویه بررسی شده، ۱۵ مورد به عنوان نقطه قوت، ۳ مورد به عنوان نقطه ضعف و تنها در ۲ مورد نیز نمی‌توان نتیجه مشخصی گرفت. سؤال چهارم: آیا بین نقاط قوت و ضعف مربوط به مؤلفه واحد حسابرسی داخلی، به عنوان یکی از مؤلفه‌های نظام حاکمیت شرکتی، در دو گروه بانک‌های دولتی و خصوصی، از دیدگاه پاسخ‌دهندگان، تفاوت معناداری وجود دارد؟ فرضیه‌های آماری مربوط به این سؤال به صورت زیر مطرح می‌شوند:

$$H_0: \mu_1 = \mu_2$$

$$H_1: \mu_1 \neq \mu_2$$

نتایج حاصل از مقایسه مؤلفه واحد حسابرسی داخلی در بین بانک‌های خصوصی و دولتی، در جدول زیر ارائه شده است. برای مقایسه میانگین دو گروه بانک‌های دولتی و خصوصی، از آزمون t استفاده شده است.

جدول ۵: مقایسه نقاط قوت و ضعف مؤلفه حسابرسی داخلی در بین بانک‌های خصوصی و دولتی

نتیجه	Sig	میانگین دولتی	میانگین خصوصی	گویه
تفاوت معناداری وجود ندارد.	۰/۱۱	۲/۵۰	۳/۴۱	واحد حسابرسی داخلی دارای ساختار، شرح وظایف و اختیارات مصوب هیئت مدیره، متناسب با کسب و کار و ریسک‌های پیشرو بانک یا مؤسسه اعتباری می‌باشد.
تفاوت معناداری وجود ندارد.	۰/۸۹	۳/۸۱	۳/۵۳	واحد حسابرسی داخلی از فعالیت‌های واحدهای حسابرسی شونده، مستقل و به میزان کافی سابقه، مهارت و منابع اختیار دارد.
تفاوت معناداری وجود دارد.	۰/۰۴	۲/۵۰	۳/۹۷	واحد حسابرسی داخلی در برابر هیئت مدیره بانک یا مؤسسه اعتباری در خصوص تمامی موارد مرتبط با نحوه اجرای دستورات و احکام آن‌ها پاسخگو می‌باشد.
تفاوت معناداری وجود دارد.	۰/۰۰	۳/۳۱	۴/۳۹	واحد حسابرسی داخلی خود را ملزم به رعایت ضوابط حرفه‌ای نظیر استانداردهای حسابرسی می‌داند.
تفاوت معناداری وجود ندارد.	۰/۷۱۸	۳/۲۵	۳/۸۹	واحد حسابرسی داخلی گزارش‌های خود را برای هیئت مدیره و بدون هرگونه صلاح‌دید مدیریتی تهیه می‌کند.
تفاوت معناداری وجود ندارد.	۰/۳۴	۲/۸۱	۳/۸۴	واحد حسابرسان داخلی به اعضای هیئت مدیره و اعضای کمیته حسابرسی دسترسی مستقیم دارد.
تفاوت معناداری وجود دارد.	۰/۰۰	۳/۸۹	۴/۲۱	مدیر حسابرسی داخلی به طور مستقیم به کمیته حسابرسی یا هیئت مدیره گزارش می‌دهد.
تفاوت معناداری وجود دارد.	۰/۰۰۴	۳/۰۶	۴/۲۹	آیا منشور حسابرسی داخلی به طور واضح وظایف، مسئولیت‌ها و اختیارات واحد حسابرسی داخلی را مشخص می‌کند؟
تفاوت معناداری وجود دارد.	۰/۰۴	۳/۰۶	۴	واحد حسابرسی داخلی به بررسی کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی می‌پردازد.
تفاوت معناداری وجود دارد.	۰/۰۰	۳/۱۳	۴/۲۹	واحد حسابرسی داخلی به ارزیابی مستقل کارایی و اثربخشی فرایندها و نظام کنترل داخلی، مدیریت ریسک و چارچوب حاکمیتی می‌پردازد.

نتیجه	Sig.	میانگین دولتی	میانگین خصوصی	گویه
تفاوت معناداری وجود ندارد.	۰/۹۰	۲/۶۸	۳/۲۷	واحد حسابداری داخلی امکان دسترسی نامحدود به کلیه اسناد و مدارک، دارایی‌ها، کارکنان و مشاهده فرایندهای شرکت و شرکت‌های فرعی را دارد.
تفاوت معناداری وجود دارد.	۰/۰۱	۲/۹۴	۳/۷۱	واحد حسابداری داخلی به ارزیابی دوره‌ای چارچوب کلی ریسک حاکمیتی بانک یا مؤسسه اعتباری، از جمله اثربخشی مدیریت ریسک؛ کیفیت گزارش‌دهی ریسک به هیئت مدیره؛ و اثربخشی نظام‌های کنترل داخلی بانک یا مؤسسه می‌پردازد.
تفاوت معناداری وجود دارد.	۰/۰۰۱	۲/۷۷	۳/۳۳	انجام‌دادن هرگونه وظایف اجرایی در شرکت و شرکت‌های فرعی توسط واحد حسابداری داخلی کنترل می‌شود.
تفاوت معناداری وجود ندارد.	۰/۰۵۳	۳/۶۳	۳/۲۸	عدم ایجاد و یا تصویب تراکنش‌های حسابداری خارج از واحد حسابداری داخلی رعایت می‌شود.
تفاوت معناداری وجود ندارد.	۰/۰۵۹	۳/۵۶	۳/۱۶	هدایت فعالیت‌های سایر کارکنان شرکت مگر تا میزانی که آنان برای کمک به تیم حسابداری داخلی تخصیص داده شده‌اند، توسط واحد حسابداری داخلی رعایت می‌شود.
تفاوت معناداری وجود دارد.	۰/۰۱۴	۳/۵۰	۳/۶۲	عدم حسابداری فعالیت‌هایی را که خود قبلاً در آن مسئولیت اجرایی داشته‌اند، توسط واحد حسابداری داخلی رعایت می‌شود.
تفاوت معناداری وجود ندارد.	۰/۰۱۴	۳/۸۸	۳/۶۲	عدم انجام سایر اعمالی که استقلال و بی‌طرفی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، توسط واحد حسابداری داخلی رعایت می‌شود.
تفاوت معناداری وجود ندارد.	۰/۰۹۷	۴/۰۶	۳/۶۸	هیئت مدیره بانک یا مؤسسه اعتباری یک نفر را به عنوان مدیر ارشد حسابداری داخلی با مسئولیت کامل و اختیارات لازم برای اجرای وظایف محوله منصوب نموده است.
تفاوت معناداری وجود دارد.	۰/۰۲۷	۳/۷۵	۳/۹۵	انتصاب و عزل مدیر ارشد حسابداری داخلی با تأیید قبلی بانک مرکزی صورت می‌گیرد.
تفاوت معناداری وجود ندارد.	۰/۰۱۴	۳/۳۱	۳/۴۱	آیا کمیته حسابداری در فرایند انتصاب و ارزیابی عملکرد مدیر حسابداری داخلی نقش دارد؟

همان‌گونه که نتایج جدول فوق نشان می‌دهد، در ۱۰ مورد تفاوت معناداری بین بانک‌های دولتی و خصوصی وجود دارد. باتوجه به اینکه در تمامی این سؤال‌ها، میانگین بانک‌های خصوصی از بانک‌های دولتی بیشتر است، می‌توان نتیجه گرفت که عملکرد واحد حسابرسی داخلی بانک‌های خصوصی در موارد زیر بهتر از بانک‌های دولتی بوده است:

- واحد حسابرسی داخلی در برابر هیئت‌مدیره بانک یا مؤسسه اعتباری، در خصوص تمامی موارد مرتبط با نحوه اجرای دستورات و احکام آن، پاسخ‌گو است.
- واحد حسابرسی داخلی خود را ملزم به رعایت ضوابط حرفه‌ای، نظیر استانداردهای حسابرسی، می‌داند.
- مدیر حسابرسی داخلی به‌طور مستقیم به کمیته حسابرسی یا هیئت‌مدیره گزارش می‌دهد.
- منشور حسابرسی داخلی، وظایف، مسئولیت‌ها و اختیارات واحد حسابرسی داخلی را به‌طور واضح مشخص کرده است.
- واحد حسابرسی داخلی به بررسی کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی می‌پردازد.
- واحد حسابرسی داخلی به ارزیابی مستقل کارایی و اثربخشی فرایندها، نظام کنترل داخلی، مدیریت ریسک و چارچوب حاکمیتی می‌پردازد.
- واحد حسابرسی داخلی به ارزیابی دوره‌ای چارچوب کلی ریسک حاکمیتی بانک یا مؤسسه اعتباری، از جمله اثربخشی مدیریت ریسک، کیفیت گزارش‌دهی ریسک به هیئت‌مدیره و اثربخشی نظام‌های کنترل داخلی بانک یا مؤسسه، می‌پردازد.
- انجام‌دادن هرگونه وظیفه اجرایی در شرکت و شرکت‌های فرعی توسط واحد حسابرسی داخلی کنترل می‌شود.

- اصل عدم حسابرسی فعالیت‌هایی که کارکنان واحد حسابرسی داخلی پیش‌تر خود در آن‌ها مسئولیت اجرایی داشته‌اند، رعایت می‌شود.
- انتصاب و عزل مدیر ارشد حسابرسی داخلی با تأیید قبلی بانک مرکزی صورت می‌گیرد.

۷. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که در میان ۲۷ گویه مرتبط با کمیته ریسک، تعداد ۱۹ گویه واجد شرایط نقطه قوت و ۵ گویه نشان‌دهنده نقطه ضعف بوده‌اند که بیانگر وضعیت نسبتاً مطلوب، اما نه‌چندان بی‌نقص، این سازوکار نظارتی در بانک‌هاست. افزون بر این، مقایسه تطبیقی بانک‌های خصوصی و دولتی نشان داد که عملکرد بانک‌های خصوصی در برخی مؤلفه‌های مرتبط با مدیریت ریسک، برتری محسوسی نسبت به بانک‌های دولتی دارد. در خصوص واحد حسابرسی داخلی نیز، از مجموع ۲۰ گویه بررسی شده، ۱۶ گویه به‌عنوان نقطه قوت، ۲ گویه به‌عنوان نقطه ضعف و ۲ گویه نیز فاقد نتیجه‌گیری مشخص ارزیابی شدند؛ همچنین، نتایج مقایسه‌ای نشان داد که بانک‌های خصوصی در ۱۰ گویه از این مؤلفه، عملکردی برتر و معنادار نسبت به بانک‌های دولتی داشته‌اند. به‌طورکلی، یافته‌ها بیانگر آن است که اگرچه در ساختارهای نظارتی بانک‌ها نشانه‌هایی از بهبود و تقویت حاکمیت شرکتی مشاهده می‌شود، اما همچنان چالش‌ها و آسیب‌های قابل‌توجهی وجود دارد.

تحلیل بیشتر پژوهش نشان می‌دهد که واحد حسابرسی داخلی بانک در سه زمینه با آسیب‌های جدی مواجه است: نخست، نقش‌آفرینی مؤثر کمیته حسابرسی در فرایند انتصاب و ارزیابی عملکرد مدیر حسابرسی داخلی؛ دوم، رعایت اصل عدم حسابرسی فعالیت‌هایی که پیش‌تر توسط همان واحد یا افرادی که مسئولیت اجرایی آن‌ها را بر عهده داشته‌اند انجام شده است؛ و سوم، برخورداری از دسترسی نامحدود به کلیه اسناد، مدارک، دارایی‌ها، کارکنان و امکان مشاهده فرایندهای شرکت و شرکت‌های فرعی؛ افزون بر این، تحلیل نتایج سؤال چهارم نشان داد که در ۱۰ مورد از ۲۰ مورد بررسی شده،

تفاوت معناداری میان بانک‌های دولتی و خصوصی وجود دارد. از آنجا که میانگین پاسخ‌های بانک‌های خصوصی بالاتر از بانک‌های دولتی بوده است، می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت واحد حسابرسی داخلی در بانک‌های خصوصی به مراتب مطلوب‌تر از بانک‌های دولتی است. این یافته‌ها بر ضرورت توجه ویژه به تقویت استقلال، اختیارات و کارآمدی واحد حسابرسی داخلی در بانک‌های دولتی تأکید دارد.

باتوجه به نتایج حاصل از سؤال اول پژوهش، واحد کمیته ریسک بانک‌های دولتی و خصوصی باید در زمینه شناسایی ریسک‌های نوظهور، شناسایی و ارزیابی تمامی ریسک‌های بانک، داشتن شیوه‌های مدون برای شناسایی و اندازه‌گیری ریسک (به ویژه ریسک‌های کیفی) و نیز تصویب انتصاب، عزل و سایر تغییرات مربوط به سمت مدیر ارشد ریسک در هیئت مدیره یا کمیته ریسک، دقت بیشتری به عمل آورند. باتوجه به نتایج حاصل از سؤال سوم پژوهش، در زمینه واحد حسابرسی داخلی پیشنهاد می‌شود:

۱. در هر دو گروه بانک‌های دولتی و خصوصی، کمیته حسابرسی در انتصاب، عزل و ارزیابی عملکرد مدیر حسابرسی داخلی نقش پررنگ‌تری ایفا کند.
۲. کارکنان واحد حسابرسی داخلی از حسابرسی بخشی که قبلاً خود در آن مسئولیت اجرایی داشته‌اند خودداری کرده و حسابرسی آن را به سایر همکارانی که به تازگی سابقه کار اجرایی در آن واحد نداشته‌اند، واگذار کنند.
۳. مدیریت بانک و کمیته حسابرسی، امکان دسترسی نامحدود واحد حسابرسی داخلی به کلیه اسناد، مدارک، دارایی‌ها، کارکنان و امکان مشاهده فرایندهای شرکت و شرکت‌های فرعی را فراهم کنند.

در راستای نتایج حاصل از سؤال‌های دوم و چهارم پژوهش، پیشنهاد می‌شود بانک مرکزی و سایر دستگاه‌های نظارتی، مانند سازمان حسابرسی، جامعه حسابداران رسمی ایران و سازمان بازرسی کل کشور، در زمینه دو مؤلفه کمیته ریسک و واحد حسابرسی داخلی (به ویژه واحد حسابرسی داخلی)، نسبت به بانک‌های دولتی در مقایسه با بانک‌های خصوصی، توجه و نظارت بیشتری اعمال کنند. از

طرفی، با بررسی‌های انجام‌شده، پژوهشی یافت نشد که نتایج آن قابل‌مقایسه با نتایج این پژوهش باشد.

در رابطه با محدودیت‌های پژوهش حاضر باید گفت: با توجه به اینکه تعداد بانک‌های دولتی در مقایسه با بانک‌های خصوصی به مراتب کمتر است و از طرفی این بانک‌ها چندان حاضر به همکاری نبودند، این موضوع باعث شد که تعداد پرسش‌نامه‌های جمع‌آوری شده از بانک‌های دولتی، در مقایسه با سایر بانک‌ها، به مراتب کمتر باشد؛ لذا در تفسیر نتایج باید به این موضوع توجه شود.

منابع فارسی

۱. فتحی، سعید و ابوطالبی، حمید، (۱۴۰۱)، تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی شرکت‌ها با استفاده از روش فراتحلیل، پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۴(۲)، ۱۵۳-۱۷۸.
۲. فرهنگ، اسماعیل، یزدانیا، نرگس و شاهوردیانی، شادی، (۱۴۰۴)، مدل‌سازی حاکمیت شرکتی در رشد اقتصادی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابداری و حسابرسی، ۱۴(۳)، ۲۰۹-۲۳۰.
۳. محمدی‌سه‌دران، سارا و فغانی، مهدی، (۱۴۰۲)، بررسی رابطه بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و پاداش مدیران، دانش حسابداری، ۱۴(۳)، ۸۷-۱۰۱.
۴. مظفری، بهزاد، ملازاده، هاتف و عشقی، رضا، (۱۴۰۳)، بررسی تأثیر استقلال کمیته حسابرسی بر محتوای اطلاعاتی اعلان سود با تأکید بر اثر تعدیلی کیفیت حاکمیت شرکتی، در اولین کنگره منطقه‌ای مباحث جاری در سیستم‌های هوشمند حسابداری، حسابرسی، مالی و مالیاتی (چالش‌ها و فرصت‌ها).
۵. مهربان‌پور، محمدرضا و کاظم‌پور، مرتضی، (۱۴۰۱)، کنترل‌های داخلی و نظام راهبری شرکتی (چاپ دوم)، تهران: انتشارات نگاه دانش.

منابع انگلیسی

1. Aebi, V., Sabato, G., & Schmid, M. (2012). Risk management, corporate governance, and bank performance in the financial crisis. *Journal of Banking & Finance*, 36(12), 3213-3226.
2. Alshekmubarak, I. A. (2015). The relationship between corporate governance and business ethics in Saudi listed banks (Doctoral dissertation, University of Dundee).
3. Lee, C. C., Wang, Y., & Zhang, X. (2023). Corporate governance and systemic risk: Evidence from Chinese-listed banks. *International Review of Economics & Finance*, 87, 180-202.
4. Metwally, A. A. T. (2019). The impact of corporate culture and corporate governance on bank performance in Egypt (Doctoral dissertation, Cardiff Metropolitan University).
5. Neifar, S., & Jarboui, A. (2018). Corporate governance and operational risk vol-

untary disclosure: Evidence from Islamic banks. *Research in International Business and Finance*, 46, 43–54.

6. Ordu, L. (2023). The enforcement of corporate governance practices on Nigerian banks (Doctoral dissertation, Anglia Ruskin Research Online (ARRO)).
7. Sharma, N. (2022). Institutional and organizational antecedents of corporate governance compliance of multinational corporations' subsidiaries: Evidence from India (Doctoral dissertation, University of Huddersfield).
8. Worme, K. R. (2023). Corporate governance: A comparative analysis of the approach to corporate governance regulation and enforcement in the UK and the US (Doctoral dissertation, Liverpool John Moores University).